

## چرا باید در انتخابات شرکت کرد و به خاتمی رأی داد؟

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمعالمحسنین

### هموطنان

میهن عزیز ما ایران در دوره‌ای سرنوشت‌ساز قرار دارد. شرائطی چنین حساس، دقت و هوشیاری مضاعفی می‌طلبد که بدون تکیه بر عقل جمعی و تلاش و روشنگری همه روشنگران حاصل نخواهد شد. بر این اساس، نهضت آزادی ایران ضمن در میان گذاشتن موارد ذیل با عموم ملت ایران، آحاد مردم را به شرکت در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و تأیید و تمدید ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی دعوت می‌نماید.

### الف- شرکت در انتخابات، چرا؟

۱- شرکت در انتخابات حق مسلم هر ایرانی است. پروژه مردم‌سالاری به مقصود نخواهد رسید مگر اینکه هر فرد ایرانی نسبت به استفاده از حق رأی، احساس مسئولیت نماید. بخشی از مسئولیت مصائب تاریخی و اجتماعی فراوانی که بر ملت ایران در طی سالهای طولانی استبداد وارد آمده، متوجه اکثریت خاموشی است که به هر دلیل و عنوان از استیفای حقوق خود صرف نظر کرده‌اند. دستاورد مبارزه و تلاش سه نسل از روشنفکران فداکار و میهن دوست، امروز در قالب آگاهی‌های اجتماعی و خردمندی فراگیری متجلی شده است. شرط خردمندی و آگاهی، دخالت در تعیین سرنوشت و احساس مسئولیت در قبال سعادت نسل فعلی و نسل‌های آینده است. امروز صرف نظر از این حق اساسی، عدم شرکت در این انتخابات آب ریختن به آسیاب کسانی است که سودای سربلندی ملت ایران را در سر نمی‌پرورند. شرکت در انتخابات و استفاده از حق رأی، پیام رسا و آشکاری است به همه کسانی که رؤیای حکومت‌های انتصابی را در سر دارند. آنکه توان تشخیص خیر از شر و تمیز سعادت و سربلندی ملی از سرشکستگی و بی‌اعتباری بین‌المللی را در خود می‌بینند نسبت به میدانی چنین حساس بی‌تفاوت نخواهد نشست. نهال آزادی و عدالت، دوام و بقاء نخواهد داشت مگر با مراقبت و توجه مستدام و آگاهانه. این مراقبت و توجه امروز در قالب شرکت در انتخابات امکان‌پذیر است. سعادت ملی را جدی بگیریم.

۲- امروز شرکت در انتخابات علاوه بر اینکه حق هر ایرانی است، تکلیف انسانی و اجتماعی نیز می‌باشد. هشتمین انتخابات ریاست جمهوری در شرائطی برگزار می‌شود که جمعی از پاکترین انسانهای این آب و خاک در زنجیر بی‌عدالتی گرفتارند. دانشجویان و جوانانی که نخواستند منافع ملی و آرمان‌های بلند تاریخی ملت ایران را قربانی راحتی و رفاه دو روزه کنند گرفتار زندان‌های بی‌عدالتی شدند. بسیاری از

اعضای نهضت آزادی و نیروهای ملی- مذهبی همچنان در بند بازداشت‌های غیرقانونی گرفتارند. آنها نیز قربانی پایداری و اصراری هستند که برای ایفای حقوق ملی نشان داده‌اند. روزنامه‌نگاران و نویسندگان بسیاری که بی‌هیچ تردید از ارزشمندترین سرمایه‌های این آب و خاک هستند روز و شب را در زندانهایی سپری می‌کنند که به هیچ وجه مناسب شأن و منزلت چنین سرمایه‌هایی نیست. همسران و فرزندان این بزرگواران غم دوری از عزیزانی را می‌خورند که حاضر به معامله مصالح ملی با منافع زودگذر نبودند. در چنین شرائطی شرط شرف انسانی و ضرورت وجدان ملی حمایت از نهضت اصلاح‌طلبی است.

در طول تاریخ قدرت‌های سرکوبگر همواره چنان با قهر و خشونت هزینه تغییرات سیاسی را بالا برده‌اند که امکان شرکت در تعیین سرنوشت جز برای طرفداران و وابستگان به قدرت وجود نداشته است. امروز به برکت جمهوری اسلامی و به پشتوانه مؤلفه‌های انتخاباتی نظام، امکان این شرکت (هر چند بصورت محدود با نظارت استصوابی) فراهم آمده است. شرکت در انتخابات و حمایت از جنبش اصلاح‌طلبی روشی بدون هزینه و در عین حال بسیار مؤثر است. امروز یاری رساندن به حرکت اصلاح‌طلبی و آزادیخواهی نیازمند بذل جان و مال نیست و فداکاری‌های کلان نمی‌طلبد. کمی هشیاری، وجدان و آگاهی می‌طلبد که خوشبختانه در ملت آگاه ایران به وفور یافت می‌شود. انتخابات ادواری یکی از بهترین فرصت‌های مناسب برای اعمال اراده ملت می‌باشد. بی‌تفاوتی، باری به هر جهت بودن، سرسری گرفتن، سهل‌انگاری کردن و عدم مشارکت به هر عنوان، گناهی نابخشودنی محسوب می‌گردد. از انفعالی و بی‌تفاوتی هرگز سود نبرده‌ایم. دریغ است که این بار از اقدام آگاهانه کوتاهی کنیم.

۳- در کشوری که سالیان دراز گرفتار استبداد مطلقه بوده است، تغییر در ساختارهای سیاسی و نهادینه شدن حکومت مردم بر مردم فرایندی است طولانی، پرفراز و نشیب و پرهزینه. تحقق حاکمیت مردم، به خصوص در مراحل اولیه، فرآیندی یک طرفه و برگشت‌ناپذیر نیست. استمرار آن نیاز به هشیاری و مراقبت همگانی دارد. شرکت در انتخابات علاوه بر اینکه یک حق و تکلیف عمومی است، روشی مؤثر برای بهبود وضعیت موجود می‌باشد. نهضت آزادی ایران ضمن تأیید این روش، بی‌اعتمادی خود به روشهای رقیب را بر مبنای دلائل ذیل اعلام می‌دارد:

حکومت‌های استبدادی و خودکامه تاب تحمل حضور مردم در صحنه سیاسی را ندارند. بنابراین برای جلوگیری از خطرات اجتناب‌ناپذیر یک جامعه سیاسی شده و فعالیت سیاسی سازمان‌یافته، با سرکوب و فشار به بهانه‌های رنگارنگ هزینه این نوع فعالیت‌ها را بالا می‌برند تا آنجا که مردم، حتی اگر هم آگاهی سیاسی کافی داشته باشند، حاضر به مشارکت در عمل سیاسی و پرداخت هزینه آن نیستند و با یأس و ناامیدی به بی‌تفاوتی و انفعال کشیده می‌شوند. با توجه به چنین شرایط سیاسی- روانشناختی تحریم انتخابات به منزله نفی مبارزه سیاسی و آب به آسیاب نیروهای ضد مردم‌سالار ریختن است. هدف از فعالیت و کار سیاسی در هر شکل و ساختاری، در نهایت ایجاد ارتباط با توده‌های مردم و دعوت آنان به ترک بی‌تفاوتی، انفعال، یأس و ناامیدی و متقاعد ساختن آنان به شرکت فعال و مسئولانه در صحنه سیاسی است. به عبارت دیگر وظیفه اصلی یک شخصیت یا گروه سیاسی دعوت مردم به خروج از صدف تنگ خودمحوری و خودخواهی و پیوند زدن سرنوشت خود به سرنوشت اجتماعی می‌باشد و انتخابات یکی از بهترین فرصت‌ها برای ایجاد پیوند بین مردم و احزاب سیاسی است.

مردمی که در اثر سرکوب‌های سیاسی بی‌تفاوت شده باشند، در انتخابات و هیچ عمل سیاسی دیگری شرکت نمی‌کنند. در چنین شرایطی مردم در انتظار دریافت فتوای سیاستمداران مبنی بر تحریم انتخابات نیستند. تحریم انتخابات موجب تشدید روحیه انفعال و مزید بر یأس و ناامیدی خواهد بود.

دعوت مردم به عدم شرکت در انتخابات یکی از شیوه‌هایی است که به نام "مقاومت منفی" و در مفهوم وسیعتر آن "جنبش نافرمانی مدنی" شناخته می‌شود. در مبارزات سیاسی مسالمت‌آمیز نافرمانی مدنی و مقاومت منفی یکی از راههای نمایش قدرت مردم و سازمانهای سیاسی-مردمی در برابر حکومت‌های سرکوبگر یا استیلای خارجی است. اما استفاده از این شیوه هنگامی مفید و مثبت و مؤثر خواهد افتاد که جنبش مقاومت منفی و نافرمانی مدنی ریشه‌دار و گسترده شده باشد. این به آن معنی است که توفیق این روشها نیازمند شرایطی است که در آن هم مردم برای پذیرش هزینه‌های چنین روشهایی آمادگی پیدا کرده باشند و هم نفوذ و اعتبار رهبران مبارزه به آن حد رسیده باشد که مردم به دعوت آنان پاسخ مثبت بدهند.

از جانب دیگر مردم ما در بسیاری از موارد، با انگیزه‌های سلبی، دست به عمل سیاسی می‌زنند. در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، راست افراطی، بدون توجه به این ویژگی روانشناختی-سیاسی مردم و بدون آگاهی از عمق نارضایتی مردم از حاکمیت این جریان، تبلیغات شدید و وسیعی را به نفع کاندیدای خود به راه انداخت، که موجب پیدایش نوعی "لج ملی" شد. رأی مردم در دوم خرداد ۷۶ به خاتمی، تماماً به خاطر خود ایشان نبود، بلکه بخش قابل توجهی از آن به منزله رأی عدم اعتماد و عدم کفایت سیاسی به جریان اقتدارطلب حاکم بود. جریانهای راست افراطی در انتخابات این دوره علیرغم اینکه می‌توانستند از میان شخصیت‌های دانشگاهی، نظامی و یا حوزوی که آنها را اصلح و مدیر و مدبر می‌دانند فردی را معرفی نمایند، با توجه به موقعیت سیاسی خود میان مردم از معرفی نامزد امتناع ورزیده‌اند. این نه تنها به دلیل هراس این جریان از شکست قطعی و پیامدهای آن است، بلکه به امید کاهش انگیزه مردم برای شرکت در انتخابات می‌باشند. در حالی که مردم به خوبی می‌دانند که بخش اعظم عدم موفقیت خاتمی به خاطر کارشکنی‌ها و حادثه‌آفرینی‌ها بوده است، خط راست می‌کوشد با تبلیغات گسترده مبنی بر عدم موفقیت خاتمی در انجام تعهدات و سوگندش، مردم را به انفعال و ناامیدی و عدم مشارکت در انتخابات بکشاند.

در چنین شرایطی وظیفه اصلی و اساسی تمام نیروهای اصلاح‌طلبان، معتقدین به مبارزه آرام و مسالمت‌آمیز و مخالفین براندازی، دعوت مردم به حضور در انتخابات، شرکت در تبلیغات انتخاباتی و رفتن به پای صندوقهای رأی و دادن رأی می‌باشد. در شرایطی که جریان‌های راست افراطی و خشونتگرا و محافظه‌کاران خردگریز می‌کوشند تا انتخابات هرچه کم رونق‌تر برگزار شود. مردم، بخصوص جوانان و دانشجویان باید با تشکیل گروههای کوچک خودجوش در شهرها و روستاها، مردم را به شرکت در انتخابات دعوت و تشویق نمایند.

#### ب- چرا باید به خاتمی رأی داد؟

اگر اصل ضرورت شرکت در انتخابات پذیرفته شود، در آن صورت باید در چهارچوب امکانات عملی حرکت کرد. اگر چه شرایط سیاسی و عملکرد غیر موجه شورای نگهبان اجازه شرکت همه شخصیت‌های واجد صلاحیت را نمی‌دهد، اما این واقعیت تلخ هرگز توجیه‌گر انفعال و خمودی سیاسی نیست.

در چنین شرایطی نهضت آزادی ایران خاتمی را بهترین گزینه موجود می‌داند. خاتمی شخصیتی روشن، آگاه، صادق و صمیمی می‌باشد. خاتمی به اهداف و برنامه‌های سیاسی ارائه شده در انتخابات ۷۶ همچنان متعهد و ملتزم است. این اهداف و آرمان‌ها چیزی نیستند که در یک دوره چهار ساله تحقق پیدا کرده و یا با گذشت چهار سال کهنه شده باشند. دستیابی به اهداف و آرمان‌هایی چون مردم‌سالاری، قانونمداری و جامعه مدنی در زمانی کوتاه ممکن نیست. نهضت آزادی ایران اعتقاد دارد که هیچگونه راه میانبری به سعادت ملی وجود ندارد. حصول این اهداف محتاج صبوری و حوصله فراوان و جهد و کوشش بسیار است. این آرمانها نه برای تحقق در یک دوره خاص بلکه به منظور جهت دادن به حرکت، تعیین و تعریف می‌شود.

نهضت آزادی ایران ضمن پرهیز از تبلیغ هرگونه فردپرستی و با آگاهی از نواقص و کمبودهای چهار ساله اخیر، برنامه‌ها و اهداف توسعه سیاسی آقای خاتمی را تأیید می‌نماید. بررسی و تحلیل ضعف‌ها و قوت‌های چهارساله اخیر عملی ضروری و پر اهمیت است. نهضت آزادی ایران این مهم را به فرصتی مناسبتر واگذار می‌نماید.

همه باهم پیش به سوی صندوقهای رأی و مشارکت در یک وظیفه ملی.

**نهضت آزادی ایران**